

## أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

### بسم الله الرحمن الرحيم

راجع به مواقیت عرض شد که ما به مباحثی مانند این که مواقیت را چرا مواقیت می گویند نمی پردازیم اینها را خود رفقا طبعا آشنایی دارند و بررسی می کنند.

راجع به مواقیت برای افرادی که از نواحی مختلف به سمت مکه متوجه هستند روایات این امکنه را ذکر کرده اند: برای اهل عراق، عقیق که همان وادی العقیق است، برای اهل مدینه مسجد شجره و ذوالحلیفه، برای اهل شام جحفه و برای اهل طائف هم که قرن المنازل و برای اهالی یمن هم یلملم. اینها مواقیتی است که رسول خدا تعیین کرده است و در حال حاضر هم مردم بر همین کیفیت حرکت می کنند.

روایاتی که در این بحث هست مربوط می شود به افرادی که از مجاور مکه نیستند و از بلاد بعیده قصد مکه را دارند که به اصطلاح مادون ثمانیه فراسخ نیستند ولی برای افرادی که بین میقات و بین مکه منزل و مسکن آنها است میقات آنها همان دُویره خود بلد خواهد بود و آن طوری که از خود روایات برمی آید در این مسئله فرقی نمی کند که خود شخص ساکن آن جا باشد یا ساکن آن جا نباشد فرض کنید که مهمان باشد و قصد دارد برای مهمانی دوستش یا رفیقش در آن جا بماند و بعد از آن جا به سمت مکه حرکت کند. همچنین شخصی لازم نیست که از مسجد شجره احرام ببندد و برود در منزلش بلکه می تواند به آنجا برود و در آن منزل یک روز، دو روز، چند روز بماند و بعد از آن جا حرکت کند؛ دیگر نباید برگردد به خود مسجد شجره و دوباره از آن جا احرام ببندد، چون منزلش مادون میقات است نسبت به مکه.

در دسته بندی لحن روایات، ما به موارد متعدده مختلفه برخورد می کنیم: یک دسته از روایات به طور کلی صرف میقات را بیان کرده اند و اهالی نواحی مختلف که از امکنه نائیه (دور) قصد مکه را دارند این چند میقات برای آنها بیان شده است بدون توجه به عذر شرعی و بدون توجه به ضیق وقت و البته آن عذر شرعی مختلف است می تواند مرض باشد یا غیر مرض باشد همه مشمول این عذر شرعی قرار می گیرد. این یک دسته از روایات که البته این روایات زیاد است و دیروز هم خواندیم و اینها دیگر نیازی به توضیح ندارد مثل روایت علی بن ابراهیم قمی که روایت ایشان به اصطلاح روایت صحیح است و ایشان از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می کند که: «من تمام الحجّ و العمرة أن تحرم من المواقیت التي وقتها رسول الله لا تجاوزها الا و أنت مُحرم فانه وقت لاهل العراق و لم یکن یومئذ عراق و بطن العقیق من قبل اهل العراق و وقت لاهل الیمن یلملم و وقت لاهل الطائف قرن المنازل و وقت لاهل المغرب الجحفه و وقت لاهل المدینه ذا الحلیفه و من کان منزله خلف هذه المواقیت مما یلی مکه فوقته منزله؛ البته منزل در این جا فقط به متوطنین

آن محل به کسی که منزلش در آن جاست اطلاق نمی‌شود. منزلش در آن است حالا مهمان هم باشد باز آن جا منزل او است تفاوتی از این نقطه نظر ندارد، این یک دسته از روایات است که در همین زمینه باز از علی بن ابراهیم است از حلبی قال ابی عبدالله علیه السلام: الاحرام من مواقیت خمسہ وقتها رسول اللہ لاینبغی - این «لاینبغی» را همان طور که عرض کردم مسئله مهمی است باید به آن توجه کنیم - لحاج و لا لمعتمر ان یحرم قبلها و لا بعدها نه قبل از میقات کسی می‌تواند احرام ببندد مثلاً قبل از این که به مسجد شجره برسد بگوید من از همان هتل می‌خواهم احرام ببندم! نه، این احرام باطل است. یا این که بعد از آن؛ پس اگر شخصی بعد از ذوالحلیفه احرام ببندد این احرام باطل است و صحیح نیست طبق این روایت و باید دوباره برگردد از همان میقاتی که عبور کرده از همان جا احرام را دوباره ببندد و احلال کند برای عمره یا برای حج که در این زمینه باز روایاتی هست که حضرت می‌فرمایند باید برگردد مگر این که چنانچه در روایات بعد داریم وقت او ضیق باشد و یا عذر داشته باشد که همان احرام کفایت می‌کند. و وقت لاهل النجد العقیق و وقت لاهل الطائف قرن المنازل و برای یمن یلملم و لاینبغی لاحد ان یرغب عن مواقیت؛ رسول اللہ این مسئله، مسئله مهمی است که لاینبغی لاحد ان یرغب عن مواقیت یعنی از آن چه را که حضرت تعیین کرده‌اند تجاوز کند و برای خودش میقات دیگری را برگزیند. ما می‌بینیم این روایات همه صریح است و یکی و دو تا هم نیست. این روایات، روایات بسیاری است حالا چه روایت علی بن ابراهیم که منجر به استناد به معاویه بن عمار یا به حلبی می‌شود یا باز همین روایت را صدوق نقل کرده است و این را از او نقل می‌کند یا مثلاً روایت علی بن جعفر است از موسی بن جعفر، روایت عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام باز همین است. روایت عبدالله بن جعفر در قرب الاسناد از علی بن رئاب است که روایت او صحیح است و همین طور روایت اینها را که خدمت شما عرض می‌کنم چیزهایی است که بعداً در آن مطلبی که مورد نظر داریم اهمیت حیاتی دارد.

میزان روایاتی را که از ائمه علیهم السلام در موضوع واحد آمده است برای انسان خیلی تعیین کننده است نسبت به کیفیت نظره امام علیه السلام درباره افراد خب شما ببینید الان در این روایات متعدده‌ای که داریم که خیلی در این زمینه هست؛ روایاتی که در این جا هست به اضافه روایاتی که در جامع الاحادیث است - البته جامع الاحادیث از این جامع تر است وقتی که من نگاه می‌کردم خیلی زیاد یعنی بیش از بیست یا بیست و پنج روایت به طرق مختلف بوده است که به همه آنها اعتماد شده است و همه آنها یک مسئله و یک مطلب را بیان می‌کردند که این مواقیت، مواقیتی است که رسول خدا تعیین کرده است - الان ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم آن چه در این جا مورد نظر است، روایات، تمام توجه افراد به این مواقیت است؛ یعنی از چند جهت حرکت افراد به صوب مکه در این راستا تحقق پیدا می‌کند یعنی اگر شخص از آن طرف بیاید باید خودش را به این میقات برساند.

اگر شما در نقشه نگاه کنید می بینید بسیاری از این راههایی که افراد می آمدند دقیقا با میقات برخورد نمی کرده مثلا فرض کنید راهی که شخص از جده وارد می شود با این که افراد بسیاری از ناحیه جده می آمدند در آن موقع از بلاد هند که می آمدند به جده می آمدند. جده ارتباطی با جحفه ندارد ولی می بینیم که حضرت آن مسیر را میقاتش را جحفه قرار داده است.

البته جحفه برای آن اهالی که به اصطلاح از طرف غرب می آیند یا برای افرادی که از ناحیه عراق می آیند آن را مثلا وادی العقیق قرار دادند در حالتی که آن افرادی که از ناحیه عراق می آیند که مرز عراق با عربستان آن مزر از نجف است از آن جا حرکت شروع می شود غیر از آن افرادی که از طریق بصره هم حالا ممکن است بیایند این دقیقا محاذی با آن میقات نیست باید راه خودش را کج کند و یک مقداری از آنجا عبور کند یا در جده باید دو ساعت یا دو ساعت و نیم برود برای جحفه در حالتی که بین جده و مکه نیم ساعت راه است با ماشین سه ربع راه است ولی تا جحفه دو ساعت و نیم است باید دو ساعت و نیم تا جحفه برود و دو ساعت و نیم هم باید برگردد مکه که می شود پنج ساعت! این شخص باید این همه راه برود دقت در این مسائل برای انسان این مسئله را روشن می کند که نظر ائمه علیهم السلام در میقات یک نوع الزامی بوده است برای افراد که در همین قضیه افرادی که از خارج می آمدند در آن میقات احرام خودشان را در این میقات قرار بدهند ولی راجع به افرادی که بالفرض در مادون مسافت باشند خلف المیقات باشند آنها دیگر لازم نیست برگردند زیرا خود آن میقات باشند با ورود او شخص را در برگرفته و آن جنبه میقاتیت برای این گونه افراد در خلف المیقات مهیا شده است آن حالت میقاتیت و حیثیت میقاتیت بدون خلف المیقات و راء المیقات است که قدام المیقات که در آن جا آن حیثیت میقاتیت در آن جا حاصل نشده است مگر این که شخص به آن جا برسد.

در یک روایت است که اتفاقا حضرت این مسئله را یک قدری بیشتر توضیح می دهند؛ شخص از حضرت سوال می کند که من با یک عده ای حرکت می کنم و می آیم به سمت مکه آنها در آن جا قبل از این که به میقات برسند احرام می بندندخب من چه کنم و من که نمی توانم با آنها محرم شوم و ممکن است در آن جا آب نباشد و چه نباشد و اینها حالا ممکن است مسئله تقیه بوده یا مسئله به نحو دیگری بوده است مثلا نبود آب و اینها بوده است در آن جا حضرت او را راهنمایی می کنند می گویند کارهایی را که تو می خواهی انجام بدهی آن جا انجام بده ولی احرام و تلبیه را باید بگذاری به میقات برسی قبل از میقات نتیجه ندارد. روایت احمد بن علی بن ابیطالب که روایت طبرسی یا طبرسی در کتاب احتجاج محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری که به حضرت می نویسد: کتب الی صاحب الزمان مسئله عن الرجل یكون مع بعض هؤلاء و یكون متصلا بهم یحج و يأخذ عن الجادة این با آنها حج می کند و لا یحرم هؤلاء من المسلخ اول آن میقات مسلخ بوده است برای این افراد حالا می گوئیم مسلخ کجا است که مربوط به اهل عراق است فهل یجوز لهذا الرجل ان یؤخر

احرامه الى ذات عرق فيحرم معهم لما يخاف الشهره ام لا يجوز الا ان يحرم من المسلخ تا اين كه احرامش را از مسلخ ببندد اين را من جابه جا گفتم عرض كردم قبل از رسيدن به ميقات نه در اينجا از ميقات مي گذرد و آن افراد اهل سنت از آن ميقات احرام نمي بندند به خاطر نبود آب و كمبود آب حركت مي كنند و مي آيند و مي رسند به ذات عرق كه به ذات عرق كه رسيدند احرام را مي بندند و در آن جا آب هست و لابد امكاناتي بوده است كه مي توانستند تغيير لباس بدهند. فكتب اليه في الجواب حضرت در جواب مي فرمايند كه يحرم من ميقاته بايد از اول آن ميقات احرام را ببندد ثم يلبس الثياب حالا بعد عيب ندارد لباس بپوشد و يلبى في نفسه و تلبيه را بگويد فاذا بلغ الى ميقاتهم اظهاره<sup>۱</sup> اين نشان مي دهد كه تجاوز از ميقات جايز نيست؛ يعنى يك نفر بدون علت و دليلي از يك ميقات حركت كند و به جاي ديگر برود. اين رواياتي كه در اين جا هست و البته راجع به ميقات اهل خود مكه هم كه داريم از ادنى الحل است كه الان همان مسجد تنعيم يا غير مسجد تنعيم است فرق نمي كند حالا يكي از آنها مسجد تنعيم است يا نسبت به اهالي مكه از خود دوپره مكه است اينها را عرض مي كنيم.

راجع به اينها مسئله نيست و تاكيدى كه ائمه كردند نسبت به احرامي كه بايد از ميقات بسته شود آن مطلبي كه هست اين است كه آيا افرادى كه داراي عذر هستند مي توانند قبل از ميقات احرام ببندند يا اين كه بعد از ميقات ببندند؟ راجع به اين مسئله و همين طور بقيه مسائل فردا انشاء الله.

يكي از مطالبى را كه من بارها خدمت رفقا گفتم اين است كه در هر بحثى - البته مباحث ديگري كه هست روايات اين را نمي توانيم بگويم كه اينها به همدیگر ارتباط ندارد - حداقل آن اين است كه براى رسيدن به مطلب روايات هر بابى دسته بندي شود آن رواياتي كه اول مطلب را ظاهر مي كند آنها را انسان قرار بدهد، رواياتي كه ممكن است با اينها يك اختلافي در كلام داشته باشد بعد قرار بدهد و بعد رواياتي كه ممكن است معارض باشد اينها را هر کدام اگر انسان دسته بندي كند خيلي سريع مي رسد به آن مراد امام عليه السلام و به آن مقصود امام در بيان مطلب كه در كجا امام اين را فرموده، علت اختلاف چه جهت داشته است و علت تضادى كه ممكن است باشد به كجا برمي گردد تا اين كه اين طوري كه مثلا ما در همين مجامع روايي مي بينيم اين قضيه رعايت نشده و همين طور بدون دسته بندي صحيح و لازم آوردند.

اللهم صل على محمد و آل محمد

<sup>۱</sup> ۱- وسائل الشيعه. ج ۱ - ابواب المواقيت - الباب ۲، ح ۱۴۸۹۵